

دکتر فیروز جمالی

مقدمه

جایگاه انسان در جغرافیا پیوسته موضوع بحثهای علمی بوده است. در گذشته جغرافیدانان به طور گسترده‌ای به محیط طبیعی توجه داشتند، هر چند که توجه به محیط طبیعی تنها با توجه به انسان است که مفهوم واقعی به خود می‌گیرد. در دهه‌های اخیر با تأکید فزاینده بر انسان به عنوان ساکن اصلی کره زمین پیشرفته‌های چشمگیری در جهت گیری نقطه نظرهای مربوط به جغرافیای جمعیت پدید آمده است.

در این مقاله با ارائه تعاریفی چند از متخصصان و استادان رشته جغرافیای جمعیت سعی خواهد شد حدود و ثغور این رشته تا آنجا که امکان دارد معین گردد.

به لحاظ گستردگی میدان عمل جغرافیای جمعیت و ارتباط و درهم بافتگی موضوعات مورد مطالعه این رشته بحث تفصیلی در مورد محتوای آن مشکل می‌نماید و تنها به ذکر فهرستی از موضوعات اصلی مورد مطالعه جغرافیای جمعیت مبادرت خواهد شد.

### تعلیلی از چند تعریف جغرافیای جمعیت

از نیمه اول قرن حاضر مکتب جغرافیای انسانی فرانسه در تشریح و توجیه روابط چند حانه‌سی انسان و فعالسهای او و محیطسهم سراسری داشته است.

برخی از جغرافیدانان میدان عمل بسیار گسترده و وسیعی را برای جغرافیای اساسی در نظر می‌گیرند که بر سه‌سها و مطالعات جغرافیای اقتصاد، جوامع، استقرار، حمل و نقل، و واحدهای اساسی را در بر می‌گرفت، برخی دیگر معتقد بودند که بس جغرافیا و جغرافیای اساسی تفاوت بسیار جزئی وجود دارد.

موضوع جغرافیای جمعیت به طور بسیار صریح در سال ۱۹۵۲ به وسیله تروه‌وارتا (Trewartha) (۱) بیان گردید. با تمرکز مباحث روی انسان تره وارتا چهارچوبی برای مطالعات جغرافیای جمعیت فراهم آورد. به عقیده وی تعداد، تراکم، و کیفیت جمعیت ریونای اصلی کل جغرافیا را فراهم می‌کند. به گفته او جمعیت نقطه عطفی است که به طور کلی دیگر عناصر از طریق آن مورد مشاهده و مطالعه قرار می‌گیرد و تمامی عناصر از طریق آن به صورت انفرادی یا به طور جمعی کسب ارزش و مفهوم می‌نمایند.

پدیدرسانی است که چنین نظری توسط تعدادی از جغرافیدانان به‌ویژه آنان که به جغرافیای طبیعی گرایش داشتند مورد تأیید قرار نمی‌گیرد ولی تعداد جغرافیدانانی که از نظر جهتگیری تحقیقات و موضوعات مورد علاقه خود از این طریق پیروی می‌کنند روزافزون است.

با وجود اینکه از زمان معرفی جغرافیای جمعیت و سهم چهارچوبی برای مطالعات جمعیتی مدت زیادی می‌گذرد، این رشته از علم جغرافیا آنچنان توسعه و گسترش و اهمیتی پیدا کرده است که در مورد هر کدام از موضوعات اصلی و فرعی مورد مطالعه آن کتابها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است.

هو، جونز (Huw R. Jones) (۲) در کتاب "جغرافیای جمعیت"، که در سال ۱۹۸۱ منتشر شده است، در مورد گسترش و توسعه، مباحث مربوط به جغرافیای جمعیت می‌نویسد. علاوه بر کتابهایی که توسط جغرافیدانان نامی مانند پیررز (P. George) (۱۹۵۹)، کلارک (Clarke) (۱۹۶۵)، زیلنسکی (Zelinsky) (۱۹۶۶)، بوزگاریه (Beaujeu-Garnier) (۱۹۶۶)، ویلسون (Wilson) (۱۹۶۸)، تره وارتا (Trewartha) (۱۹۶۹) در مورد جغرافیای جمعیت نوشته شده است، مقالات مربوط به جغرافیای جمعیت که به کنفرانسهای سالانه اتحادیه جغرافیدانان آمریکا ارائه گردیده از ۳ درصد در سال ۱۹۶۲ تا ۱۳ درصد کل مقالات ارائه شده به این کنفرانسها در سال ۱۹۷۲ افزایش یافته است. در طی همین مدت، مقالات مربوط به جغرافیای جمعیت که در مجلات جغرافیایی مشهور و مهم آمریکا به چاپ رسیده از ۵ درصد به ۱۲ درصد افزایش یافته است. از سال ۱۹۷۲ تا کنون، انتشار کتب و مقالات مربوط به جغرافیای جمعیت و مباحث مختلف آن در سطح جهانی و منطقه‌ای به طور چشمگیری سر صعودی داشته است.

مانند هر موضوع و رشته علمی دیگر ارائه تعریفی جامع و مشخص برای جغرافیای جمعیت از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که تعریف اصولی هر علم یا شاخه‌ای از آن حدود و مشخصات آن را معین می‌کند و تعریف نارسا به تنها چهارچوب مشخصی از موضوع به دست نمی‌دهد، بلکه ورود به مباحث اساسی و انجام مطالعات اصولی را مشکل می‌سازد. "واژه نامه جغرافیای انسانی" (۳)، جغرافیای جمعیت را، مطالعه و بررسی چگونگی تائیات فضا

(Spatial Variations) مربوط به توزیع، ترکیب، مهاجرت، رشد جمعیت در ارتباط با طبیعت مکانها تعریف کرده است. ارتباط مسئله، تناسبات فضایی (مکانی) در مطالعات جمعیتی غالباً "ویژه جغرافییدانان است. در حالی که جمعیت‌شناسان (Demographers) در مطالعات جمعیتی به الگوهای تولد، مرگ، و ازدواج توجه خاصی دارند و معمولاً "تغوذ و آسرات مهاجرت و تناسبات فضایی را نادیده می‌گیرند.

ویلیام زلینسکی (W. Zelinsky) (۴)، واضع "نظریه تحرک ستالی" (The Hypothesis of Mobility Transition) در کتاب خود به نام "مقدمه بر جغرافیای جمعیت" با تأکید بر مسئله تناسبات فضایی جغرافیای جمعیت را به عنوان علمی تعریف می‌کند که حسه‌های فضایی جمعیت را در رابطه با طبیعت به هم پیوسته، مکانها مورد بررسی قرار می‌دهد. در نوحه این تعریف زلینسکی می‌نویسد: "مجموعه‌ای از پدیده‌های جمعیتی در درون - خود الگوهای رفتاری مخصوص به خود را دنبال می‌کنند و از نظر مکان و مکان متفاوت‌اند. بین این پدیده‌های جمعیتی تأثیر پذیری متقابل وجود دارد و همچنین، این تأثیر پذیری متقابل بین پدیده‌های جمعیتی و غیر جمعیتی بررسی دیده می‌شود."

از تعریفهایی که برای جغرافیای جمعیت ارائه شده است، عرف بیروفسور جان کلارک (John, I, Clarke) (۵) جغرافییدان برجسته جهان و رئیس گروه جغرافیای دانشگاه دورهام (Durham) انگلستان از اعتبار خاصی برخوردار است. این جغرافییدان ضمن مشخص نمودن فرق بین "جغرافیای جمعیت - Population Geography) و جمعیت‌شناسی (Demography) و بیان نظرهای مکان جغرافیایی شرق و غرب در کتاب خود به نام "جغرافیای جمعیت" با تأکید فراوان بر امر فضا (مکان) (Space) و تشریح و تجزیه و تحلیل روابط پیچیده محیطهای طبیعی و انسانی و جمعیت، جغرافیای جمعیت را نمایانند تناسبات فضایی در توزیع و ترکیب و مهاجرتها و رشد جمعیت در ارتباط با تناسبات فضایی موجود در طبیعت مکانها تعریف کرده است. وی در تکمیل این تعریف می‌نویسد: "جغرافییدان جمعیت، همچنین، -

با حسیه‌های زستیکی (Genetic) یا پویایی (Dynamic) تناسبات فضایی در رابطه با زمان (Time) و کیفیت و نوع روابط فضایی یا همبستگیهای متقابل بین پدیده‌ها سروکار دارد."

در بیان فرق بین جغرافیای جمعیت و جمعیت‌شناسی بیروفسور کلارک می‌نویسد: "همانند جمعیت‌شناسی، جغرافیای جمعیت اساساً دارای حسیه‌های کمی است و به طور گسترده به اطلاعات و مار وابستگی دارد، اما هر دو علم حسیه - کیفی نیز دارند. جمعیت‌شناسان کیفیات متعدد فیزیکی، معنوی، و شخصی جمعیتها را جهت تناسباتی ارتباط آنان با حسیه‌های کمی بررسی می‌کنند. در حالی که جغرافییدانان جمعیت بر مطالعه و مشخص نمودن همبستگیهای

پیچیده بین محیطهای انسانی و طبیعی از یکطرف و جمعیت از طرف دیگر اهتمام می‌ورزند. تشریح و تجزیه و تحلیل این وابستگیها و روابط مشترک مابین موضوع واقعی جغرافیای جمعیت است. اطلاع از تکنیکهای مفهومی جمعیت‌شناسی برای جغرافییدان جمعیت ضروری است. این تکنیکها برای جغرافییدان جمعیت به منزله ابزار کار اساسی است. و نادیده گرفتن آنها در مطالعات جمعیتی به نتیجه‌گیریهای نادرست و تجربه و تحلیلهای ناقص منجر می‌شود. وابستگی به علوم محاور برای شاخه‌های اصولی و موضوعی جغرافیا امری غیر عادی نیست. این مسئله نتجه طبیعی ویژگی جغرافیا به عنوان موضوعاتی است که هم پیوسته است. همان طور که متخصصین جغرافیای اقتصادی، جغرافیای زستی، ژئومورفولوژی دانش پایه نیاز به آموزش علم - اقتصاد، زیست‌شناسی، و زمین‌شناسی دارند، جغرافییدانان جمعیت نیز باید از روشهای جمعیت‌شناسی آگاهی داشته باشند.

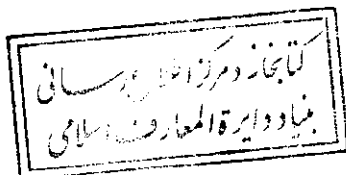
به طور کلی، علیرغم برخی تفاوتها که در بیان نظریات مربوط به تعاریف مورد بحث جغرافیای جمعیت ممکن است وجود داشته باشد، این تعاریف دارای نکات مشترک و عمیقی هستند که بیانگر همسویی و جهتگیری علمی و اشتراک مساعی متخصصین جغرافیای جمعیت در برخورد با مباحث مختلف تحلیلی و سیستماتیک جمعیتی است. در هر یک از تعاریف مورد بحث به نحوی مسئله، تشریح اصولی روابط بین پدیده‌های جمعیتی و غیر جمعیتی با در نظر گرفتن اهمیت غیر قابل انکار تناسبات فضایی و طبیعت و ویژگی مکانها مورد تأکید قرار گرفته است.

توجه دقیق به کیفیت روابط پدیده‌ها و تشریح آنها در مطالعات جمعیتی بیانگر این نکته مهم است که صرفاً "از طریق توصیف ساده" توزیع پدیده‌های جمعیتی و حسیه‌های کمی این پدیده‌ها نمی‌تواند به کشف روابط پیچیده، پدیده‌ها و بیان واقعیتهای کیفی جمعیتی نوبت یافت. بلکه برای نمایانند کیفیت روابط به هم پیوسته جمعیتی با سایر پدیده‌ها و هدست آوردن نتایج مطلوب و متناسب در مطالعات جمعیتی بعد از توصیف پدیده‌ها، تشریح روابط موجود بین عوامل، و تجزیه و تحلیل علت و معلولی پدیده‌ها با در نظر گرفتن تناسبات فضایی ضرورتی غیر قابل چشمپوشی به شمار می‌رود.

### موضوعات مورد مطالعه جغرافیای جمعیت

به عقیده زلینسکی جغرافیا باید جریان پیچیده و کلی علت و معلول را بین اشکال و عوارض وابسته، به یکدیگر را که مکانهای خاص با ویژگیهای خاصی ایجاد می‌کنند جستجو و روشن نماید. بنابراین، جغرافییدان جمعیت با سه مرحله از مباحث مشخص سروکار دارد:

- ۱- توصیف ساده، مکان جمعیتهای انسانی و ویژگیهای آنان.
- ۲- تشریح اشکال فضایی این ویژگیهای جمعیتی.

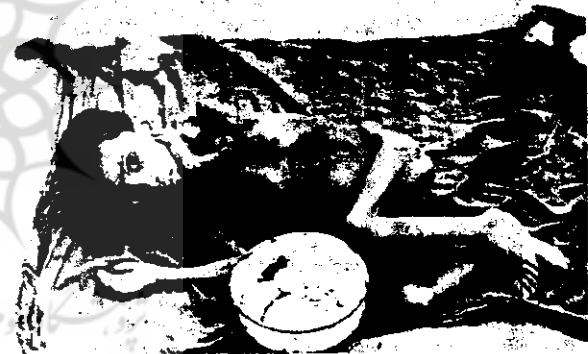




## نمونه‌هایی از مسائل مورد توجه در جغرافیای جمعیت

از جمله مسائل مربوط به جمعیت، که چند سالی است موضوع بحث و مطالعه، جغرافیدانان، جمعیت‌شناسان، و اقتصاددانان دساست، مسئله، افزایش جمعیت دنیا و توزیع نابرابر منابع مورد نیاز جمعیت در مقیاس منطقه‌ای و جهانی است. جمعیت‌شناسان با در نظر گرفتن میزان افزایش سالانه جمعیت برآورد می‌کنند که بعد از ۳۵ سال جمعیت دنیا به بیش از ۸ میلیارد نفر خواهد رسید. از طرف دیگر، امروزه، در سراسر دنیا میلیونها انسان از کم‌عدایی،

بدعدایی و گرسنگی رنج می‌برند، و بسیاری از کشورهای جهان سوم شاهد مرگ و میر عمده تعداد زیادی از آحاد جمعیت خود در اثر محظی و گرسنگی هستند. سکاف بین کشورهای دارا و ندار به طور وحشتناکی عمیق است. در اغلب کشورهای جهان سوم، علی‌رغم وجود منابع و ذخایر قابل بهره‌برداری، فقر و گرسنگی بیداد می‌کند. هارمورد توماس (Harford Thomas)<sup>(۸)</sup> در کتاب "تصویری از- فقر" می‌نویسد: "تقریباً نیمی از جمعیت دنیا در یک سازه سی سراجام برای رنده ماندن غلات می‌کنند". گزارشهای نشان -



دهنده، این کتاب در مورد فقر و گرسنگی و اختلاف سطح زندگی و درآمد سرانه، جمعیتها در مناطق مختلف دنیا هر خواننده آگاهی را به تفکر وامی دارد که با ارزیابیهای منطقی علل این مسائل را تجزیه و تحلیل کرده به ریشه‌یابی مشکلات بپردازد. در این میان، جغرافیدان واقعی جمعیت با در نظر گرفتن رسالت علمی و اساسی خود و با استفاده از اطلاعات و آمار و تجربیات علمی خویش جهت کشف حقایق به تجزیه و تحلیل روابط بین پدیده‌ها پرداخته اختلافات فضایی را تشریح می‌کند. به عنوان مثال، گزارش مربوط به اختلاف شدید درآمد سرانه سالانه در سوئیس (Switzerland) و بوتان (Bhutan) می‌تواند سرآغاز مطالعه و بررسی تطبیقات فضایی و ارتباط آن با پدیده‌های جمعیتی و غیرجمعیتی در این دو کشور باشد.

برابر گزارش کتاب "تصویری از فقر"، و با استناد به ارقام رسمی، مشخص شده است که بوتان فقیرترین و سوئیس غنی‌ترین کشور دنیاست هر دو کشور کوهستانی و دارای چشم‌اندازهای طبیعی زیبایی هستند؛ بوتان در منطقه کوهستانی هیمالیا بین تبت و هندوستان قرار گرفته و سوئیس در قلب اروپای غربی.

آمار نشان می‌دهد که جمعیت سوئیس ۱۲۵ بار غنی‌تر از جمعیت بوتان است. بررسی آمار و ارقام مربوط به حنسه‌های مختلف جمعیتی و اقتصادی این دو کشور اختلافات معنیداری را مطرح می‌کند. در حالی که هر دو کشور دارای ویژگیهای طبیعی تقریباً مشابهی هستند، جنبه‌های جمعیتی، اقتصادی، و اجتماعی آنها کاملاً متمایز و متفاوت است. ذکر ارقامی چند به‌طور نمونه از کتاب "کیناشناسی - کشورها" (۹) در مورد این دو کشور و ارزیابی و مقایسه آنها نابرابریهای موجود را مشخص می‌کند.

در سال ۱۹۷۸، بوتان دارای ۱۰۲۴۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده است؛ فقط ۵ درصد جمعیت شهرنشین بوده‌اند؛ متوسط عمر مردان ۴۲ سال و زنان ۴۰/۵ سال، میزان تولد ۴۳/۶ در هزار و میزان مرگ و میر ۲۸/۱ در هزار و رشد جمعیت ۲/۲۱ درصد در سال بوده است؛ درآمد سرانه در بوتان ۸۰ دلار است؛ تنها ۵ درصد جمعیت باسوادند و فقط ۱۰۵ مدرسه و دبیرستان برای تحصیل وجود دارد؛ این کشور ۵۰ دانشجو دارد که در کشورهای دیگر تحصیل می‌کنند؛ در کشور بوتان ۸۰۶۰۰ وسیله نقلیه عمومی، یک فرستنده کوچک رادیویی، ۱۰۳۰۰۰ گیرنده رادیویی، و ۱۰۸۲ شماره تلفن وجود دارد.

در سال ۱۹۷۹، سوئیس دارای ۶۰۲۳۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده است؛ ۵۸ درصد جمعیت شهرنشین‌اند؛ عمر متوسط مردان ۷۰/۳ سال و زنان ۷۶/۲ سال و میزان تولد ۱۱/۵ در هزار، میزان مرگ و میر ۸/۸ در هزار، و رشد جمعیت ۳۶ درصد در سال بوده است؛ درآمد سرانه ۹۴۳۹ دلار است؛ همه مردم باسوادند؛ تعداد دانشجویان این کشور ۷۱۰۵ نفر است؛ سوئیس دارای ۱۶۰۰۶۰۰

وسيله نقلیه عمومی، ۲۱۱ فرستنده رادیویی ۵۸۳ فرستنده، تلویزیونی، ۲۰۱۷۲۰۰۰۰ گیرنده رادیویی، ۱۰۸۹۵۰۰۰۰ گیرنده تلویزیونی، و ۴۰۲۹۲۰۰۰۰ شماره تلفن است.

بررسی اختلاف عمیق ارقام ذکر شده مسائل زیاد و ریشه داری را مطرح می‌کند. مطالعه و کشف علل این اختلافات، و بویژه بررسی روابط پدیده‌ها و عوامل جمعیتی و عوامل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، و نشان دادن روشها و راه‌حلهای متناسب جهت ارسین بردن این نابرابریها وظیفه‌ای است که جغرافیدان جمعیت به عهده دارد.

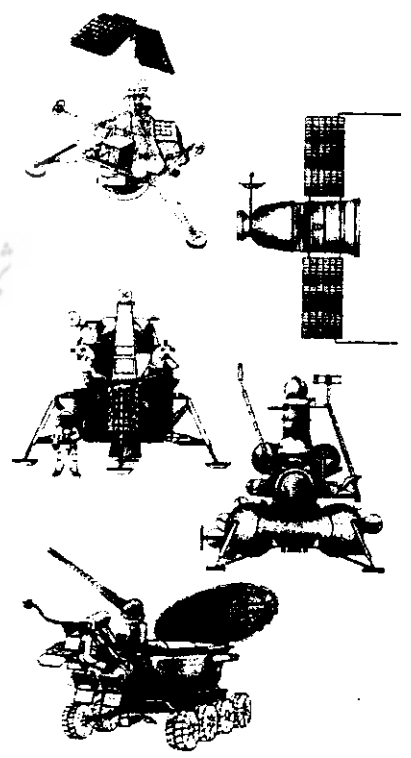
### دگرگونی در تعاریف و محتوای جغرافیای جمعیت

با توجه به تحولاتی که در تعاریف و ساحت مربوط به جغرافیای جمعیت در چند سال گذشته، در اثر گسترش دیدگاههای مربوط به



حینه‌های مختلف جمعیتی و فعالیتهای اساسی، بدیدآمده است به نظر می‌رسد در آینده سیرا گسترش هر چه بیشتر فعالیتهای انسان در زمینه‌های مختلف در اثر دستیابی به تکنیکهای جدیدتر نحولاتی در تعاریف و محتوای جغرافیای جمعیت ایجاد گردد. توجه به گسترش روزافزون فعالیتهای فضاوردی و تلاش برای سحیر فضا از طرف انسان پذیرش نحولات و دگرگونیها را در تعاریف و ماحت جغرافیای جمعیت، که بحث در فعالیت انسانها یکی از ارکان اصلی آن است، آسانتر می‌کند. در واقع، سفرهای فضایی انسان با در نظر گرفتن مدت، فاصله، و سایر عوامل متضمن نوعی از حرکات مکانی انسانهاست که در قلمرو مطالعه جغرافیای جمعیت قرار دارد. انسان عصر حاضر به طور شتابزده بدون اینکه در روی کره زمینی موفق به حل بحرانها و مشکلات جمعیتی خود، مثل قحطی و گرسنگی و فقر و زاغه نشینی، گردد به کرات دیگر مسافرت می‌کند و حتی گاهی به طور گروهی به کیهان نوردی دست زده به نصب پایگاههای فضایی مبادرت می‌کند.

طبق اظهار عقیده نویسندگان "اطلس اوضاع کشورهای جهان" (۱۵) هر چند که تا کنون کشوری ادعای مالکیت طغه استرا توسعرا نموده است و تعداد کمی از کشورها موفق شده‌اند توسط سمبیه‌های سرنشین دار یا بدون سرنشین قسمت کمی از استرا توسفر - (Stratosphere) را اشغال نمایند، ولی کوشش برای اشغال این قسمت به طور چشمگیری روزافزون بوده است.



مطابق برآورد اطلس مذکور تا اواخر دهه ۱۹۷۰ در حدود ۲۰۰۰ سفینه در انواع مختلف به فضا فرستاده شده است که از این طریق ۱۱۰۳۰۰ دستگاه انواع مانیتورهای پیچیده، ساخت بشر، از قبیل راکت، ماهواره، آزمایشگاههای فضایی، در فضا جای داده شده است. تنها در سال ۱۹۷۸، ۱۵۹ ماهواره در انواع مختلف به فضا پرتاب شده‌است. سایرین، با توجه به گسترش دامنه فعالیت انسان در فضا می‌توان انتظار داشت که در سالهای آینده تعاریف و ماحت جغرافیای جمعیت دگرگون گردد و ماحت مربوط به فعالیتهای فضایی انسان در ابعاد مختلف حایی برای خود در جغرافیای جمعیت باز کند.

\*\*\*\*\* منابع \*\*\*\*\*

1. Trewartha, G.T. A Case for Population Geography, Annals of the Association of American Geographers, 1953, Vol.43, PP 71-97.
2. Jones, H.R. A Population Geography Harper and Row, Publishers, London, 1981, P.6.
3. Johnston, R.J. The Dictionary of Human Geography, Oxford, 1981, P.263.
4. Zelinsky, W. A Prologue to Population Geography, Prentice-Hall, London, 1970, PP.5,7.
5. Clarke, J.I. Population Geography, Pergamon Press, 1972, PP.2,3.
۶. برناتی، کیومرث، (ترجمه)، نظریه سیستمها، نشر تندر، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۱۵
7. Gibson, C. Population, Basil Blackwell Publisher, England, 1980, P.2.
8. Thomas, H. A Picture of Poverty Oxpam, Oxford, 1979, P.15
۹. گمتاشناسی کشورها، انتشارات گیتاشناسی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۹۱ و ۱۷۸.
10. Kidron, M. and Segal, R. The State of the World Atlas, Pan Books, London, 1981.